

«کسی که حقیقت را نمی داند، احمق است.»

اما کسی که می داند و کتمان می کند، تبه کار است»

ا. م. شیری

۳ مرداد ۱۳۹۳

<http://eb۱۳۸۴.wordpress.com/۲۰۱۴/۰۷/۲۵/کسی-که-حقیقت-را-نمی-داند-احمق-است/>

بر کمتر انسان صاحب خردی ناروشن است که انقلابیون امپراتوری روسیه تا انقلاب کبیر اکتبر و بعد از انقلاب، در دوره کوتاه حیات اتحاد شوروی، علاوه بر هزاران کشف و اختراع و همچنین، دستاوردهای خارق العاده علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی در عرصه بسیار فراخ ادبیات (دن آرام، مادر، جنگ و صلح، چگونه فولاد آبدیده شد...) و هنر(بخصوص، سینما، تئاتر، موسیقی) نیز جاودانه ها را خلق کردند که حالا- حالاها نمی توان در انتظار خلق امثال و نظایر آنها بود. در یک کلام، انقلابیون امپراتوری روسیه و سپس بلشویکها در دوره سازندگیهای شگفت انگیز سوسیالیستی، به تکامل جهشی در تمام عرصه های زندگی اجتماعی موفق شدند. فیلم «پدر یک سرباز» تنها یک نمونه از هزاران آنها در عالم هنر است.

این فیلم علاوه بر نمایش عزم و اراده مردم شوروی برای دفاع از میهن سوسیالیستی خود، آنجا که پیر مرد گرجی سعی می کند کشتزار آتش گرفته گندم را با شنل خود خاموش کند و مرتب فریاد می زند: «نان، نان! نان می سوزد» یا آنجا که به صدای زمین گوش می دهد و می گوید: «زمین با پچ- پچه می گوید: زمان کشت و بذرافشانی است، کشت، بذرافشانی...» و یا بصورت فرمانده تانک سیلی می زند و به تانک اجازه عبور از روی تاکها نمی دهد و ایضا، آواز دلنشین ستوان گرجی در زمان فتح رایشتاک و...چنان پیام جهانشمول و ماندگاری را به انسانها می رساند که در هیچ فیلم غربی نمی توان نظیر و نمونه آن را یافت.

دیالوگ این فیلم، با زبان یک روستایی گرجی که ظاهرا زبان روسی را هم خوب بلد نبوده و با لهجه خاص و اشتباهات زیاد صحبت می کرده، نوشته شده، که به دقت هر چه بیشتر نیاز دارد.

تماشای این فیلم زمانی دردناکتر می شود که بر این مسئله بیاندیشی که خلقهای متحد و دوست اتحاد شوروی دست دست هم و دوش بدوش هم، از جمله خلق گرجی دیروزی، فاشیسم را تا لانه اش (اروپا) عقب راندند و در همانجا (نورنبرگ) به روی میز محاکمه نشاندند؛ همان گرجی که بشوق دیدار فرزند قهرمانش تا برلین رفت و در نهایت، جنازه فرزندش را هنگام فتح رایشتاک در آغوش گرفت، اما، اسفا، که رهبران گرجی امروزی، برلین، لندن، واشنگتن، بروکسل را معبد و زیارتگاه خود تصور می کنند و با اجرا بی چون و چرای فرامین صادره از سوی آنها، بر چشم پدران و پدربزرگان خود که بشریت را از دست طاعون فاشیسم اروپا نجات دادند، تف می کنند...

البته، شاید نتوان پیام عمیقاً انسانی این فیلم را بکمک زیرنویس به علاقمندان رساند. چرا که هم زیرنویسها سریع حرکت می کنند و هم، چون چشمها بر روی زیرنویس متمرکز می شوند، تماشاگر نمی تواند روی جزئیات هنری، علمی، اخلاقی و بطور کلی، انسانی صحنه ها دقت لازم را بنماید.

به هر صورت، این فیلم یکی از همان میلیونها حقایق بسیار تلخ تاریخ شوروی است که نادانها از آن بی خبرند و تبه کاران آن را کتمان می کنند.

در پایان جا دارد اشاره کنم، که من چندان حق شنا در اقیانوس عالم هنر ندارم. چرا که عمق آن، که هیچ، حتی به ساحل این اقیانوس بزرگ هم وارد نشده ام. من فقط دوستدار و شیفته هنر اصیل انسانی هستم و بر همین اساس، متن فیلم پدر یک سرباز را ترجمه و زحمت ویراستاری و حکاکی آن در روی فیلم را از یک رفیق دانا و خردمند تقاضا کردم. حاصل پذیرش تقاضایم آن شد که فیلم در اختیار علاقمندان قرار بگیرد.

امید که فرصت بیشتری دست دهد تا با کمک همین رفیق خردمند و توانا، کارهای دیگری هم عرضه کنیم.

نشانی فیلم «پدر یک سرباز» با زیرنویس فارسی:

<http://vimeo.com/101650180>